

# هو الابهی - ایها الفرع المجید من الشجرة المبارکة...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۹۳

هو الابهی

ایها الفرع المجید من الشجرة المبارکة الناطقه فی سدرۃ السیناء علیک بهاء الله و ثنائه و فضله و جوده و احسانه حضرت افنان کبیر فرع جلیل علیه بهاء ربّه العظیم و محبوبه الکریم از این ظلمتکده فراق به خلوتگاه محبوب آفاق صعود فرمودند و به منتهای شوق ربّ ادراکنی گویان به ملکوت ابهی و افق اعلی شتافتند. آن منجذب الی الله از بدایت نشئت به چه فضل و موهبتی موفق و مؤید شدند و به چه خلعتی مخّلع گشتند. از اشرف اعراق بودند و به اکل اخلاق مشهود شدند. از سنّ طفولیت و بدو صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و متوجه جبروت اسمی. و چون نشو و نما نمودند در تحصیل علوم و حکم کوشیدند و جام عرفان را از ید ساقی عنایت چشیدند و چون انوار صبح الهی به فیض نامتناهی آفاق اکوان را منور نمود و نفحات قدس مشام مشتاقان را معطر کرد چشمی روشن نمودند و جانی گلشن کردند. اقتباس انوار از مشکاة الهی نمودند و اکتساب فیض نامتناهی از غمام رحمانی. و چون شمس قدم از افق اسم اعظم طالع و لائح گردید چون نجم بازغ استفاضه انوار از آن نیر بزرگوار نمودند و به نور هدی در بقعه سیناء مهتدی شدند. فرع جلیل این سدره مبارک شدند و افنون رفیع این دوحه مقدّسه. سائق توفیق و دلیل موهبت ربّ کریم در آفاق گرداند تا آنکه در ظلّ جمال قدم و پناه اسم اعظم روحی لاحبائه فدا منزل و مأوی عنایت فرمود. مدتی از عمر را در جوار جمال مبین و سایه حصن حصین بسر بردند و مظهر الطاف جلیله و عنایات عظیمه و احسانات متباعه بودند و چون زلزله بر ارکان وجود افتاد و کینونت اکوان و امکان از فراق جمال رحمن بگداخت و این جهان سرور ظلمتکده غموم گشت و این گلشن



ORIGINAL



AUDIO

ازهار گلخن آتسبار گشت ارکان حقائق نفوس مقدسه متلاشی شد و بنیان حیات ذوات منجذبه مهدوم گشت. صبر نماند و قرار به باد رفت. از آن ایام حضرت افنان حالش دگرگون شد و شدت حرقتش آناً فاناً افزون گشت تا آنکه فی الحقیقه مدتی بود مدهوش و بیهوش بودند تا آنکه در این ایام پر اشتیاق باز نمودند و به رفیق اعلی و افق ابهی پرواز نمودند و در آن گلشن تقدیس در سدره منتهی آشیانه ساختند و در جوار رحمة کبری منزل و مأوی گرفتند و مظهر آیه مبارکه و السلام علیّ یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیا شدند. طوبی له ثم طوبی له بشری له ثم بشری له.

ربّ و رجائی و ملجئ و ملاذی هذا افنون من افنان شجرة رحمانیتک و فرع من فروع سدره ربانیتک قد احترقت کبده من نار الفراق و هزته نسائم الاشتیاق حتی تأبجت نیران الاشواق بین الضلوع و الاحشاء و ابتهل الی ملکوتک الابهی ربّ ارجعنی الیک و نجّنی من وهدة النوی و شدّة الجوی و ورطة الاسبی بفضلک و جودک یا جمال الاعلی و ربّ الآخرة و الاولى و ادركنی ادركنی و فی جوار رحمتک اسکنی و من موائد لقائک ارزقنی و من موائد عنایتک اطعمنی و بروح مشاهدتک احینی و بنور وصلک نورنی و من كأس البقاء فی ساحة اللقا اسقنی و من نغمت طيور القدس فاسمعنی. ربّ اجب دعائه و استجب مسؤله و یسر له امره و اشرح صدره و نور وجهه و افرح قلبه و سرّ روحه برحمتک الکبری و فضلک و جودک یا من بیدک ملکوت الاشیاء انک انت الفضال المتعالی الکریم. ع ع